

بسمت حقوق جهانی به پیش

در روزنامه‌های خبری عصر، خبر تشکیل جمعیت طرفدار حکومت جهانی را خواندم. گرچه هنوز از مرام، هدف و عقیده جمعیت مزبور اطلاعی ندارم ولی آنچه که مسلم است هدف آن عالی و کمال مطلوب و علت غائی بشر دوستان و متفکرین بزرگ بشر دوست جهانی است. این فکر تا زگی نداد، در اعصار قدیم فلاسفه و سیاستمداران و متفکرین زیادی طرفدار آن بوده‌اند.

البته مدتی لازم است که این افکار عالی و عقاید پراج از عالم وهم و خیال خارج شود و از قوه بقول در آید چه آنکه اختلاف آداب - سنن - عادات - نژاد - مذهب - زبان - فرهنگ - تمدن - افکار و عقاید و احساسات - ادبیات - حقوق و قوانین - عرف - سوابق تاریخی - گذشته تاریخی - موقعیت جغرافیائی - محیط، آب و هوا، علل و جهات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و طبیعی دیگر مانع از تشکیل حکومت واحد جهانی در تحت لوای واحد و مقررات و قوانین یکسان و سازمانهای واحد خواهد بود.

آنچه که محقق است اینست در اثر کثرت روابط بین افراد ملل مختلف جهان و تماس دائم‌التزاید مردم گیتی باهم و اختلاط و نشر و شیوع افکار و عقاید و احساسات از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات و انتقال رسوم و عادات و آداب و خصائل نژادی و فرهنگی از کشوری بکشورهای دیگر و توسعه مکاتبات و مراودات بین افراد ملل و بسط و توسعه روزافزون تعداد سازمانهای بین‌المللی و تشکیل و انعقاد کنفرانسهای بین‌المللی - مختصر روابط فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بین ملل جهان بی‌کدیگر نزدیک میشود و فاصله بین آنها کمتر میشود و از میزان تضادها - اختلافات - تنازعات عقاید و افکار نژادی و مذهبی و سیاسی کاسته میشود ولی رسیدن بیک حکومت واحد جهانی آرزویی بیش نخواهد بود مادام که ملتها - سرحدات - مرزهای سیاسی و سازمانهای سیاسی و اقتصادی مختلف بنام حکومت وجود دارند این آرمان تحقق نخواهد پذیرفت. قبل از نیل به هدف باید از رفع علل و جهات اختلافات موجود بین ملل کوشید و اختلافات و تفاوتهای فاحش مشروح فوق را از طریق اقدامات بین‌المللی مرتفع ساخت از آنجمله است اختلاف بین حقوق و مقررات و عرف و عادات بین ملل.

دروضع حاضر هر کشوری مقررات خاص و قوانین مخصوص بخود دارد که مسئله تعارض توزین و حکومت قوانین ملی را فراهم کرده است و یکی از مشکلات و موانع حسن

ارتباط بین کشورهای است. هر حکومت مستقل مانع از اجرای احکام و مقررات سایر کشورها در قلمرو حکومت خود (مگر طبق رعایت اصل معامله متقابله یا در حدود عهود و قراردادهای) میباشد. باید در بادی امر مثلاً موجبات توحید حقوق و قوانین ملل مختلف در خدمت فرهنگ عمومی جهانیان را فراهم کرد. گرچه بشر در این راه توفیق زیادی حاصل نموده است در پاره‌ای مقررات قانون تجارت و قانون دریائی و حقوق بین‌المللی عمومی پیشرفتهائی نصیب عالم بشریت شده و قوانین و مقررات متحدالشکلی که حاکم بر مقدرات اغلب کشورهای است و تدوین شده است و روز بروز بردامنهٔ این وحدت حقوق افزوده میشود ولی باز اختلافات مقررات و قوانین بعدی است که لطامت جبران‌ناپذیری بحسن ارتباط و تفاهم کشورهای وارد نموده و وارد مینماید و جا دارد که کلیه حقوقدانان و بشردوستان جهانی دور هم گرد آیند و بطرف یکسان کردن حقوق پیش بروند - این کار باید مقدم‌سایر کارها باشد - وحدت قوانین و یکسان کردن حقوق و مقررات موجبات تشکیل حکومت واحد جهانی را تعیین مینماید.

بهین علت ، در این مقاله در اطراف یکسان کردن حقوق و مقررات ملل بعبارت دیگر دربارهٔ حقوق جهانی و عمومی صحبت می‌کنیم. البته این فکر و عقیده بما تعلق ندارد و از آثار و تراوشات مفزی مانست. در این مقاله بخصوص از آثار آقای جور جیودل و چیو رئیس اسبق دانشگاه رم که از بزرگترین دانشمندان حقوق جهانی و مقام شامخ بین‌المللی دارد استفاده کرده‌ایم. دانشمند شهیر مزبور از طرفداران جدی حقوق عام جهانی است. در یکی از آثار خود که در سال ۱۹۵۹ منتشر نموده چنین مینویسد:

« حقوق‌دان بزرگ ژاپنی کوتاروتانکا Kotaro Tanka که از استادان بنام دانشگاه توکیو و رئیس دیوان عالی کشور ژاپن است در طی مقالاتی که منتشر نموده از عقیده «حقوق جهانی» طرفداری کرده است.»

« گرچه هنوز تمام آثار و نوشته‌های این دانشمندان عالی‌مقام بالسنه اروپائی منتشر نشده است مع الوصف در اروپا و بخصوص در ایتالیا بنحو تفکر این دانشمند بزرگوار آشنائی داشته و بی‌اندازه نسبت بعقاید و افکار پر ارزش او احترام قائل میشوند. یکی از مقالات این دانشمند در مجلهٔ فلسفی بین‌المللی ایتالیا منتشر شده و انجمن فلسفه و حقوق ایتالیا دانشمند عالی‌مقام ژاپن را بعضویت افتخاری خود پذیرفته است.»

« تز و عقیده دانشمند مورد بحث دربارهٔ حقوق جهانی در ایتالیا باحسن استقبال مواجه شده است و جز این انتظار نمی‌رفت چه آنکه عقیده مورد بحث کاملاً با فلسفه حقوق در ایتالیا هم‌آهنگی دارد و ریشهٔ این افکار در عقاید و افکار فلاسفهٔ یونان و رم وجود دارد که تدریجاً در اثر توسعه افکار مسیحیت نضج و قوام کافی گرفته است دانشمند عالی‌مقام ایتالیائی در جای دیگر مینویسد: که تقریباً در کتابی که در نیم قرن پیش انتشار دادم دربارهٔ وحدت تدریجی حقوق ملل جهان یاد آور شده که حقوق و تأسیسات ملل را باید تدریجاً طوری رهنمون کرد که در طبقهٔ فوقانی و در محیطی بالاتر از حقوق خاص ملل، سازمان کامل و وسیعی بوجود آید که اساس آن متکی به شرائط وجودی بشریت و انسانیت باشد. »

این عقیده طرفداران زیادی بین فلاسفه و علمای حقوق از مکاتب مختلف و ملل متنوع داشته است ازینرو دانشمندان ایتالیائی مزبور در آثار خود بافکار مشابه و یکسان متفکرین که در ادوار و اعصار مختلف تاریخی در کشورهای مختلف میزیسته‌اند اشاره کرده‌است. اغلب بین افکار و عقاید مزبور تشابه و تجانس غربی وجود داشته‌است افکار مورد بحث طوری جهانگیر شده‌است که از اقصای نقاط دنیا مثل ژاپن بجا منتقل می‌شود. گرچه وجود افکار و عقاید مزبور در بین متقدمین از ارزش وجودی افکار و عقاید پرفسور تانکا ژاپنی نخواهد کاست مضافاً آنکه افکار پرفسور مزبور منفک از افکار و عقاید قدما توسعه و بسط لازم را پیدا نموده‌است بی‌مناسبت نیست که بتاریخچه عقاید و افکار مربوط بحقوق جهانی بپردازیم. البته بعنوان مثال بذکر تعدادی از آن خواهیم پرداخت. اغلب این افکار جنبه خیال و توهم داشته و آرمان و آرزویی بیش نیست و نمیتواند بمنصه ظهور درآید.

در نزد بعضی ارفلاسفه عقیده جهانی و حکومت قانون واحد جهانی وجود داشته‌است. عقاید این دسته از فلاسفه تأثیر بسزائی در روی افکار علمای حقوق رومی نموده‌است بطوریکه فکر تشکیل حقوق و قوانین متحدالشکل و واحد برای جمیع ملل جهان بوجود آمد و باین مطلب «سیسرون» نیز اشاره کرده‌است و مذهب مسیحیت نیز از آن الهام گرفته‌است فرضیه سیاسی دانت نیز لزوم تأسیس حکومت واحدی مافوق حکومت ملی را بمنظور توسعه و تکامل و پیشرفت مذهب جهانی برای بشر متذکر می‌شود.

دو قرن بعد حقوقدان عالی‌مقام و بزرگ اسپانیولی بنام «فرانسیسکو دو ویتوریا» حقوق عام بین دولتها را پیش‌بینی و طراحی نمود و پس از آن ویکو در فلسفه تاریخ اشاره باین اصل نمود که حقوق و قوانین شهرهای مختلف باید بشکل حقوق طبیعی ملل متحد درآید و مبتنی بر حقوق مسلمه بشریت باشد.

اما نوتل کانت هم بفکر حقوق جهانی و عالمگیر افتاد و آنرا برای پیشرفت و ترقی و تعالی بشریت لازم میدانست؟

در قرن نوزدهم کارلو کانتانو نیز تأیید نمود که يك نوع نیروی اخلاقی تمام ملل جهان را بطرف اجتماع واحد و جهانگیر که مبتنی بر حقوق جهانی باشد رهنمون مینماید و این اصل مهم مورد مطالعه خاص و دقیق عده‌ای مورخین و علمای حقوق قرار گرفت. مسئله گرایش حقوق بسمت موازین و اصول مسلم بشریت باعث می‌شود که مؤسسات مختلف و سازمانهای حقوقی داخلی بطرف اصول و حقائق یکسان و مشابه راهنمایی میشوند بعبارت دیگر کلیه این حقوق در اصول و فلسفه حقوق باهم مشابه و متحدالشکل شده‌اند مثلاً آزادیهای فردی - حقوقی - اجتماعی و سیاسی هر قدر متنوع و مختلف باشند تقریباً و تدریجاً در تمام تأسیسات مختلف کشورها و ملل مختلف وارد شده و گنجانیده شده‌است. هر اندازه که اختلافات و تفاوتهای تاریخی بین این ملل وجود داشته باشد مع الوصف مزایای اجتماعی و سیاسی مزبور پذیرفته شده‌است چه آنکه این آزادیهای فردی روی اصل وجدان - حق و عدالت و نصفت مبتنی است. تأسیسات حقوقی ملی جنبه جامعیت و عامیت

بخود میگیرند در اثر تکامل و تطورات حقوقی. مسئله محدودیت حمایت حقوقی منحصرأ از کسانی که بیک دسته یا طبقه خاصی تعلق دارد ازین میرود. مثلاً کلیه ملل جهان باین اصل رسیده‌اند که خارجیان مقیم یک کشور نیز باید از حقوق متمتع شوند. از طرفی تعمیم و اشاعه تأسیسات حقوقی جدید و غلبه قوانین، بر عادات و آداب محلی موجبات یکسان شدن قوانین و تساوی حقوق را فراهم کرده است حتی در کشورهای که عادات و آداب و حقوق و مقررات متعارف و غیرمدون حکومت میکرده تدریجاً مجموعه‌های قوانین مدونه تدوین و تشریح شده است و در محیط بین‌المللی محیط حقوقی وسیعتری بوجود آمده که خصومات و اختلافات را از بین برده و میبرد و تجربه نشان داده است که حتی در حقوق خصوصی میتوان مسائل مختلف متنازع‌فیه را مشابه و یکسان نمود و این امر بسیار مایه امیدواری است. هر قدر تکامل بشر بیشتر شود تشابه حقوق بین آنها بیشتر خواهد شد و بهتر یکدیگر را خواهند فهمید و خواهند شناخت. پس سعی کنیم که تعارض بین قوانین ملی کشورهای ازین بیریم و قوانین آنها را یکسان و یکنواخت بسازیم و همه آنها را در تحت مقررات یکسان بین‌المللی قرار دهیم و حکومت قانون واحد جهانی را مستقر سازیم تا بتوانیم بصلح و آرامش عمومی و رفاه عمومی ملل جهان و امنیت اجتماعی آنها کمک بنمائیم. نباید فراموش کرد که دولت جدید امروزی یک سازمان و تشکیلات حقوقی و تاریخی است که از واحدهای سیاسی ادوار گذشته متمایز و مجزا است و با آنها تفاوت فاحش دارد مثلاً بین دولت جدید و واحدهای سیاسی یونان Polis و کون Commune ما فرق بین وجود دارد اصل آزادی عقاید و افکار و وجدان در جوامع و دولتهای امروزی اصل همزیستی مسالمت‌آمیز افراد را با وجود مذاهب و عقاید مختلف برقرار نموده است بطوری که در جوامع امروزی جنگهای مذهبی بکلی رخت بر بسته است. از طرفی مسئله تشکیل دولت واحد و متمرکز باعث از بین رفتن جنگها و منازعات بین واحدهای کوچک سیاسی و دولتهای جزء داخلی که وجود آنها وجه امتیاز ادوار گذشته تاریخی بود شده است.

همانطوریکه میدانیم در چند قرن پیش در اروپا جنگها بین شهرها معمول و متداول بوده است در صورتیکه فعلاً جنگهای بین شهرستانها وجود ندارد و معمولاً جنگها بین کشورهای مختلف است و پیش‌بینی این تحول و تغییر در گذشته و اعصاب پیش غیر ممکن و تحقیق آن جزء آمال و آرزوها بوده است.

امروز در روابط متقابل بین دولتها تمایل بیشتری بطرف وحدت و اتحاد حقوق وجود دارد. البته مقداری این تحول مرهون و معلول تجارت بین‌المللی است که ب فکر ایجاد حقوق جاه و عام کمک میکند و باعث میشود که بین ملتها روابط بیشتری برقرار شود و موجب آن میشود که بین آنها قوانین و مقررات و عادات متحدالشکل بوجود آید. چنانچه در سطح بالاتر از اقتصادیات مختلف ملی و وطنی یکنوع اقتصاد جهانی بوجود آمده که منافع فردی و از حدود صنایع ملی تجاوز نموده و از مرزهای کشور عبور کرد و بین ملل جهان یکنوع تشریک مساعی و همکاری لازم برقرار میسازد. کما اینکه مافوق قوانین خاص ملل تدریجاً یکنوع حقوق جهانی بوجود میآید که تا اندازه‌ای عقاید فلسفی جهانی عده‌ای از فلاسفه لباس عمل بخود می‌پوشد. مثلاً یکسان شدن واحداوزان

و مقیاسات در اغلب کشورهای که قبلاً نوعی آرزو بوده و بمبادلات تجاری بین آنها کمک فراوانی نموده است قدم مؤثری بطرف توحید و یکسان کردن قواعد و مقرراتی است که حاکم بر عملیات بشر می باشد .

از آنجمله قراردادهای و عهود بین المللی از قبیل قرارداد مربوط بحمايت اموال اشخاص بیطرف هنگام جنگ یا مقررات مربوط بتحریم بعضی از ادوات و آلات جنگی یا قوانین و قراردادهای مربوط بحمايت مالکیت صنعتی و ادبی و هنری و نظائر و امثال آن که تعداد آن بسیار است همه اینها نمونه هایی هستند از اقدامات و عملیاتی که در جهت یکسان کردن قوانین و توحید مقررات برداشته شده است و روز بروز بر میزان این فعالیتهای بین المللی افزوده میشود . با وجود اغتشاشات و بی نظمی های ناشی از دو جنگ جهانی مع الوصف میل بطرف حقوق جهانی دائم التزاید و روز افزون است .

قراردادهای منعقد شده بین کشورهای مختلف اغلب جنبه جامعیت بخود گرفته است و موجبات تأسیس مؤسسات بین المللی را فراهم کرده است .

بزرگترین مؤسسات جهانی موجود سازمان ملل متحد میباشد که در راه وحدت حقوقی بشریت مساعی جمیله معمول داشته و گامهای مفید و مؤثری برداشته است نظر سازمان ملل آنست که در آغوش باز خود کلیه ملل جهانی را که اصول آنرا پذیرفته باشند بپذیرد در مقابل تعهداتی که بعهده اعضاء سازمان ملل قرار گرفته عبارتست از احترام حقوق مسلم و آزادی بشریت بمنظور تأمین صلح جهانی و همکاری های بین المللی . اگر سازمان ملل متحد در این راه توفیقی زیاد حاصل نموده بعقیده عالم حقوق ایتالیائی مزبور معلول نقائص و معایب سازمانی و نحوه ترکیب آنست . امید میرود که نقائص مزبور تدریجاً مرتفع شود تا سازمان بتواند در راه اجرای برنامه و منویات خود قدمهای مؤثرتری بردارد و آرزوی بشر دوستان و طرفداران صلح توفیق بیشتر مؤسسه بین المللی مزبور در راه استقرار صلح و امنیت جهانی و اجرای مفاد اساسنامه خود و برقراری نظم و انتظام جهانی و عدالت و رفاهیت عمومی و تأمین و آزادیها است .

از مسائل ایران

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی